



در گرمی داشت دیار و زادگاه بهمن شهید

کوهدامن افغانستان منزلگه پنجشیریان
خاکت بهشت جاویدان پر سبزه و آب روان
ای مامن کوشانیان ای رفعت کابل شهان
گاه مسجدی کرده دفاع گاهی حبیب رزم دان
امروز این نیرنگ را بندد بکار اولاد شان
پس وعده کرچ و کلاه دادی به خیل خائنان
بر قیمت خاک وطن برسر نهاده تاج شان
از قتل عام خلق ما خوش ساخته ارباب شان
مثل "بشیر بهمن" و همچون "مجید" نکته دان
از خون این آزادگان بسته حنا بردست شان
کشور به قبض ارتجاع بنگر فرار آزادگان
خواهد فروشد قطعی این خاک برارباب شان
دارد تجارب ها فزون دانسته طرز کار شان
بهر رهائی از ستم روشن نموده راهشان
در راه آزادی تو جمله نهاده جان شان
یا که رها سازد ترا از قید و بند دشمنان

ای سرزمین باستان ای مامن زحمت کشان
کوهت چو کاخ ارسلان سایید جبین بر آسمان
باشندگان تو بود مشهور در آزادی
هرگاه که کرده دشمنان آهنگ تسخیر ترا
دزدید بار رزم شان را خاندان نادری
دشمن چو گشتی ناتوان در رزم با آزادگان
گاهی شده ابدالیان گاهی سدوزائی امیر
در خون کشیده خلق را با نامهای مختلف
این سرزمین مردزا باز آفریده قهرمان
این بار حزب پرچم و خلق و نهاد طالبان
وا حسرتا میهن فروشان داد آزادی زند
اکنون که کرزی آمده با نوه گان نادری
ای مامن زحمت کشان این بار فرزندان تو
با ملیت های دیگر کرده بپا میثاق خون
خورده همه زحمت کشان سوگند بر زنجیر تو
یا جملگی جان میدهد در زیر تیغ ارتجاع

آزاد بادا خاک ما یک دست و دل رزمندگان
"حافظ" بسرکش جام می بر یاد پیروزی شان

حافظ هزاره
20.10.2004